نور خوزستان

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی صبح خوزستان

صاحب امتیاز: سیدمحمدطاهر موسوی زاده / مدیرمسئول و سردبیر: حسین حسین نژادیان / دبیرصفحات: محمد کاظم حاج سردار

نشانی: اهواز، امانیه، خیابان انقلاب، بین سقراط و دزکوچه رشیدی پلاک ۸ - مجتمع مطبوعاتی نور تلفن: ۴-۳۳۳۶۳۶۹۳ و ۲-۳۳۳۳۰۳۳۱

نمابر: ۳۳۳۶۳۶۹۱ /کدپستی: ۶۱۳۳۸۶۳۷۴۳ / واتس اپ: ۰۹۳۷۳۲۹۳۵۶۹

آیین نامه اخلاق حرفه ای: آیین_ نامه _اخلاق_ حرفه ای/www.NoorDaily.ir لیتوگرافی و چاپ: نشر فرهنگ اهواز

نور خوزستان آنلاین: www.NoorDaily.ir روابط عمومی: NoorDaily@yahoo.com

اذان صبح فردا: ۵:۲۲ طلوع: ۶:۴۴ اذان ظهر: ۱۲:۰۰ غروب آفتاب: ۱۷:۱۶ اذان مغرب: ۱۷:۳۵ نیمه شب: ۲۳:۱۹

بهبهان	۷-دقیقه	ماهشهر، بندرامام	۲/۱۵-دقیقه	خرمشهر و جزیره مینو	۲ + دقیقه
ایذه	۴-دقیقه	رامشیر، نفت سفید	۲-دقیقه	بستان	۲/۵ + دقیقه
باغملک، هندیجان، هفتکل، امیدیه، آغاجاری	۳/۵-دقیقه	لالی	۱/۵-دقیقه	هویزه، اندیمشک، دزفول	۲ + دقیقه
رامهرمز، اندیکا	۳-دقیقه	شوشتر، شادگان	۱-دقیقه	شوش دانیال، آبادان، سوسنگرد	۱/۵ + دقیقه
مسجدسلیمان	۲/۵-دقیقه	گتوند، ملاثانی	۰/۵-دقیقه	حمیدیه، سردشت دزفول	۰/۵ + دقیقه

تحلیلگر فرانسوی:

پاریس به جای کمک به مردم فرانسه میلیاردها یورو صرف اوکراین می کند

«فابریس سورلان» تحلیلگر فرانسوی در اظهاراتی با اشاره به اعتراضات اخیر در این کشور تاکید کرد که پاریس به جای کمک به مردم فرانسه میلیاردها یورو صرف کمک به اوکراین می کند. به گزارش ایرنا، سورلان در مصاحبه با خبرگزاری ریانووستی اظهار کرد: بدهی ملی فرانسه از مرز سه تریلیون و ۵۰۰ میلیارد یورو فراتر رفته و هر ثانیه هزاران یورو بر آن افزوده می شود.

وی افزود: با این حال پاریس همچنان با ارسال میلیاردها یورو به کییف از دیکتاتوری اوکراین پشتیبانی می کند، آن هم در حالی که بودجه کافی برای رسیدگی به بیمارستان ها، دانشگاه ها، مدارس و سیستم حمل ونقل خود را ندارد.

این تحلیلگر فرانسوی در ادامه خاطرنشان کرد: این رویکرد دولت فرانسه موجب نارضایتی شدید شهروندان این کشور شده است.



به گزارش ایرنا، وزارت کشور فرانسه پیشتر اعلام کرده بود که بیش از ۱۰۶ هزار نفر در شهرهای مختلف این کشور به خیابان ها آمدند که ۲۴ هزار نفر از آنها در پاریس دست به تظاهرات زدند.

بر اساس این گزارش، در شهرهای بزرگی مانند مارسی، بوردو، نانت، تولوز، لیون و روئن نیز تظاهرات برگزار شد و در برخی از این شهرها درگیری هایی رخ داد و پلیس برای متفرق کردن معترضان از ماشین های آبپاش و گاز اشک‌آور استفاده کرده است.بنا بر گزارش ها، وضعیت در «میدان ناسیون» پاریس رو به وخامت است و پلیس علیه معترضان از گاز اشک‌آور استفاده کرده است.

همزمان با روایت دانش آموزان از برخورد خشونت آمیز پلیس فرانسه، احتمال آغاز دور تازه اعتراضات دانش آموزی به وضعیت نامناسب کلاسهای درس، مقام های این کشور را نسبت به بروز خشونت های بیشتر نگران کرده است.

خبرگزاری فرانسه نوشت: فرانسه برای دور تازهای از تظاهرات سراسری در حمایت از دانش‌آموزانی که هفتههاست به وضعیت نامناسب کلاسهای درس اعتراض دارند، آماده شده است؛ این در حالی است که مقامها و شرکتکنندگان نگران وقوع خشونتهای بیشتر هستند.

تحلیلگر صهیونیست:

اسرائیل به دنبال «فلسطین‌زدایی» از شهروندان عرب است



یک تحلیلگر صهیونیست نوشت رژیم صهیونیستی با هدف تحمیل «گسست روانی»، شهروندان عرب را مجبور می‌کند میان برخورداری از حقوق مدنی و حفظ هویت ملی فلسطینی، یکی را انتخاب کنند.

به گزارش ایسنا، گدعون لوی، نویسنده و تحلیلگر سرشناس صهیونیست در مقاله‌ای که اخیراً در روزنامه هاآرتص منتشر شد، با تشریح سیاست‌های جدید رژیم صهیونیستی، تأکید کرد که تل‌آویو با عبور از مرزهای جغرافیایی، اکنون در پی تحمیل «گسست روانی» بر شهروندان عرب است؛ سیاستی که بر اساس آن، این شهروندان ضمن برخورداری از حقوق مدنی، باید هرگونه پیوند عاطفی و ملی با آرمان فلسطین و مردم غزه و کرانه باختری را قطع کنند.

لوی در این تحلیل می‌نویسد که موفقیت‌های انتخاباتی احزاب عربی و حضور چهره‌هایی نظیر منصور عباس و احمد طیبی در عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی، اگرچه بر وزن سیاسی این طیف افزوده، اما در مقابل، خشم و حساسیت جریان‌های راست‌گرای صهیونیستی را برانگیخته است.

به گفته لوی، لفاظی‌ها و حملات لفظی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، علیه این چهره‌ها، نه تنها آن‌ها را تضعیف نکرده بلکه حضورشان را پررنگ‌تر کرده است؛ موضوعی که اکنون رژیم صهیونیستی را به فکر تعیین «مرزهای جدید» برای نقش سیاسی و ملی این شهروندان انداخته است.

تداوم سیاست «تجزئه‌طلبی»

لوی در ادامه، این رویکرد را در چارچوب کلان «سیاست قطعه‌قطعه‌سازی» صهیونیسم قرار می‌دهد. وی معتقد است که رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس، همواره در پی گسستن وحدت ملت فلسطین بوده است؛ از آوارگی سال ۱۹۴۸ گرفته تا اشغال ۱۹۶۷ که میان اعراب داخل سرزمین‌های اشغالی و فلسطینیان اراضی اشغالی فاصله انداخت. در مراحل بعدی نیز این سیاست با جداسازی قدس شرقی و سپس محاصره و جداسازی نوار غزه از کرانه باختری دنبال شده است.

این تحلیلگر صهیونیست تأکید می‌کند که مرحله کنونی، شکلی خطرناک‌تر از این فصول جغرافیایی است و «گسست روانی و عاطفی» را هدف گرفته است. در این سناریوی جدید، دیگر نیازی به دیوارکشی یا موانع نظامی نیست؛ بلکه از شهروندان عرب خواسته می‌شود که در برابر رنج‌های فلسطینیان در غزه و کرانه باختری، «بی‌تفاوت» باشند و گویی با «غریبه‌ها» مواجه‌اند.

سرکوب‌های امنیتی و «مطالبه سکوت»

بر اساس گزارش هاآرتص، سرویس‌های امنیتی رژیم صهیونیستی از جمله «شاباک» (سازمان اطلاعات و امنیت داخلی)، طی سه سال اخیر فشارها بر شهروندان عرب را به شدت افزایش داده‌اند.

هرگونه ابراز همدردی در شبکه‌های اجتماعی نسبت به شهادت کودکان غزه یا محکومیت تجاوزات شهرک‌نشینان در کرانه باختری، اکنون بهانه‌ای برای تهدید، تعقیب و بازداشت است.

لوی به نمونه‌هایی نظیر شهرهای «لد» و «طیبه» اشاره می‌کند و می‌گوید که طبق سیاست فعلی رژیم صهیونیستی، ساکنان این مناطق حتی در صورت داشتن خویشاوند در مناطق تحت حمله، نسبت به ویرانی‌های طولکرم یا خشونت‌ها در «المغیّر» سکوت پیشه کنند.

این تحلیلگر صهیونیست در پایان تأکید می‌کند که هدف نهایی رژیم صهیونیستی، تبدیل «شهروندی» به ابزاری برای «تصفیه هویت ملی» است.

تل‌آویو از شهروندان عرب می‌خواهد که در مسائل مربوط به خدمات شهری، آموزش و رفاه، بخشی از جامعه صهیونیستی باشند، اما همزمان باید پیوند هویتی و ملی خود با مساله فلسطین را فدای این «حقوق مدنی» کنند.

اندیشکده آمریکایی:

بهای تشدید درگیری با ایران برای ترامپ به شدت بالا رفته است

یک اندیشکده آمریکایی در مطلبی با برشمردن تحولات اخیر که احتمال حمله مجدد آمریکا به ایران را دستخوش تغییر کرده‌اند، نوشت: اکنون توپ در زمین دونالد ترامپ است. احتمال تشدید درگیری همچنان وجود دارد، اما بهای سیاسی و اقتصادی آن به‌شدت افزایش یافته است.

به گزارش سیاست خارجی ایرنا، اندیشکده «مرکز سیاست بین‌الملل مستقر در واشنگتن دی‌سی، در این مطلب آورده است: هزینه سیاسی ادامه جنگ آمریکا و (رژیم)اسرائیل علیه ایران برای دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، به‌سرعت و شدت افزایش یافته است. شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، جنگی که از ابتدا نیز نامحبوب بود را به باری سنگین برای این حزب تبدیل کرد. این در حالی است که به‌طور همزمان، تحولات در کنگره، انتخابات پارلمانی(کنست) اسرائیل، دیپلماسی منطقه‌ای و مواضع تهران، پیامدهای تشدید بیشتر درگیری را بیش از پیش سنگین کرده است.

به نوشته این اندیشکده، ترامپ به‌تازگی لحنی ملایم‌تر در پیش گرفته و مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، نیز مدعی شده است که در حال حاضر نیازی به انجام عملیات نظامی گسترده نیست. اینکه تغییر لحن ترامپ و اعضای کابینه‌اش نشانه گشایشی موثق و قابل اتکا در مسیر دیپلماسی است یا صرفا مکثی تاکتیکی، هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. مهم‌تر، پنج تحولی است که محاسبات مربوط به احتمال حمله‌ای دیگر را تغییر داده‌اند.

شکست خردکننده جمهوری‌خواهان

آمریکایی‌ها ماه‌ها با جنگی مخالفت می‌کردند که کارشناسان حقوق بین‌الملل نیز آن را غیرقانونی توصیف کرده‌اند. طبق یک نظرسنجی که در ماه مارس انجام شد، ۵۹ درصد آمریکایی‌ها تصمیم به حمله به ایران را اشتباه توصیف کردند. تا ماه آگوست، تنها ۳۱ درصد از جنگ حمایت می‌کردند. با این حال، مخالفت افکار عمومی ظاهرا تاثیر چندانی بر رویکرد ترامپ نداشت. در نهایت، انتخابات میان‌دوره‌ای فرصتی در اختیار رای‌دهندگان قرار داد تا نظر خود را پای صندوق‌های رای اعلام کنند.

این انتخابات تا حد زیادی به همه‌پرسی درباره جنگ و پیامدهای اقتصادی آن بدل شد. جمهوری‌خواهان در بحبوحه افزایش قیمت انرژی و نارضایتی از سیاست‌های کلی ترامپ، کنترل هر دو مجلس کنگره را از دست دادند. این ارزیابی را خود دولت آمریکا هم تایید کرده است. ترامپ شخصا به نقش جنگ در شکست جمهوری‌خواهان اذعان کرد. جی‌دی ونس، معاون ترامپ نیز صریح‌تر از وی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «دلیل شکست ما جنگ است. خود رئیس جمهور هم دیشب همین را گفت.»

ایران از طریق بستن تنگه حیاتی هرمز که بازارهای جهانی انرژی را مختل کرد، هزینه اقتصادی جنگ را به جهان از جمله مردم آمریکا تحمیل کرده است. به باور نگارنده، اکنون تهران واکنش منفی رای‌دهندگان در انتخابات را تاییدی بر درستی این راهبرد می‌داند. مسائل دیگری نیز نتیجه انتخابات را تحت‌تاثیر قرار دادند، اما خلاف نظرسنجی‌های نامطلوب، شکست جمهوری‌خواهان هزینه‌ای سیاسی به ترامپ تحمیل کرد که قادر به چشم‌پوشی از آن نیست.

سونامی آبی دموکرات‌ها

پیروزی گسترده دموکرات‌ها در انتخابات، دستور کار ضدجنگ این حزب را تقریبا یک‌شبه متحول کرد. موفقیت جریان‌های ترقی‌خواه و سوسیالیست‌های دموکرات، جناح مخالف جنگ را تقویت کرد و سران محتاط‌تر حزب را به سمت مخالفتی صریح‌تر سوق داد. اکنون دموکرات‌ها از پشتوانه قدرتمند انتخاباتی برای به چالش کشیدن جنگ برخوردارند و از ماه ژانویه نیز کنترل کنگره را در دست خواهند گرفت.

این تغییر در سطوح بالای این حزب نیز آشکار است. حکیم جفریز، رهبر میانه‌روی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان، پس از انتخابات وعده داد که به جنگ پایان دهد و ظرف چند روز، موضع خود درباره استیضاح پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، که پیش‌تر از حمایت از چنین اقدامی خودداری کرده بود را به «موافقت صریح» تغییر داد.

دموکرات‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی به جنگ پایان دهند، اما از قدرت قانون‌گذاری و سیاسی قابل‌توجهی برای جلوگیری از ادامه آن برخوردارند. قدرتمندترین ابزار آنها، اختیار کنگره در تصویب و تخصیص بودجه است.



کنگره در سال ۱۹۷۳ بودجه عملیات نظامی آمریکا در ویتنام را قطع و به پایان مشارکت آمریکا در آن جنگ کمک کرد. دموکرات‌ها می‌توانند راهبرد مشابهی را در پیش بگیرند و این یعنی، ممنوعیت تخصیص بودجه برای جنگ با ایران را به شرط تصویب بودجه دولت فدرال تبدیل کرده و به آن پیوند بزنند. افزون بر این، آنها می‌توانند با احضار مقامات ارشد دولت ترامپ و فرماندهان نظامی را به کنگره، در جلسات رسمی و زیر سوگند، آنها را درباره جنایات جنگی، از جمله بمباران مدرسه میناب، مورد بازخواست قرار دهند و درباره تلفات گسترده غیرنظامیان تحقیق کنند. جلسات استماع علنی کنگره می‌تواند ابعاد انسانی جنگ را برملا سازد و هزینه سیاسی جنگ که از ابتدا هم نامحبوب بوده است را به‌شدت افزایش دهد.نانسی اوکیل، رئیس اندیشکده «مرکز سیاست بین‌الملل»، در گفت‌وگو با رسانه «نیوعرب/The New Arab» گفته است که «دموکرات‌ها باید کار را با اجرای قوانین آمریکا آغاز کنند؛ قوانینی که انتقال تسلیحات به کشورهایی که مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند را محدود می‌کند، صرف نظر از اینکه دریافت‌کننده این تسلیحات، متحد آمریکا باشد یا دشمنش.»

به گفته وی، «آنها باید دیپلماسی نمایشی را کنار بگذارند و در راستای مذاکرات جدی با هدف حل‌وفصل درگیری‌ها، اعتماد لازم را از نو بسازند. این کار مستلزم آن است که حاضر باشند به ریشه‌های جنگ بپردازند و برای پایان دادن به آن تعهدات عملی و ملموس بدهند.»

به باور نگارنده، «آزمون واقعی پشتوانه انتخاباتی جدید دموکرات‌ها این است که آیا از لفاظی‌های ضدجنگ فراتر می‌روند و از قدرت خود در کنگره برای جلوگیری از تامین مالی بیشتر جنگ استفاده می‌کنند یا خیر.»

تضعیف موقعیت نتانیاهو در تل‌آویو

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر (رژیم) اسرائیل، یکی از محرک‌های اصلی شکل‌گیری هر دو دور جنگ بود: حملات تل‌آویو در ژوئن ۲۰۲۵ که واشنگتن در ادامه به آن ملحق شد و عملیات مشترک آمریکا و (رژیم)اسرائیل که در فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد. جزئیات تدارکات نتانیاهو برای عملیات سال ۲۰۲۵ و تلاش‌های او برای وارد کردن ترامپ به جنگ در یکی از تحقیقات صورت‌گرفته، مستند شده است.

این جنگ در واقع جنگ مشترک ترامپ و نتانیاهو بوده و نخست‌وزیر فعلی (رژیم)اسرائیل مهم‌ترین شریک منطقه‌ای رئیس جمهور آمریکا در آن به شمار می‌رود. اما نتانیاهو در انتخابات اکتبر، اکثریت پارلمانی خود را از دست داد و گادی آیزنکوت، رقیب سیاسی وی، مامور تشکیل دولت شده است. با این حال، هنوز مشخص نیست که انتقال قدرت در کنست چگونه پیش خواهد رفت و جانشین نتانیاهو نیز الزاما موضعی کمتر تقابلی در قبال ایران نخواهد داشت.

با این حال، تضعیف موقعیت نتانیاهو، شراکتی که نقشی محوری در جنگ داشته را در معرض خطر قرار می‌دهد و ممکن است ترامپ را از قدرتمندترین متحدش در تل‌آویو برای پیشبرد تشدید بیشتر درگیری محروم کند.

گسترش فشارهای دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل

قطر به یکی از میانجی‌های محوری تبدیل شده است. شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر قطر، با مقامات در تهران و واشنگتن، از جمله ترامپ و ونس، در تماس بوده تا اختلافات دو طرف بر سر آتش‌بس، بازگشایی تنگه هرمز و امتیازدهی متقابل را کاهش دهد.

عمان نیز به عنوان میانجی طولانی‌مدت میان آمریکا و ایران، برای کاهش تنش و حصول ترتیباتی درباره تردد دریایی تلاش می‌کند.

همچنین، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان که از آنها تحت عنوان «ائتلاف مکه» یاد می‌شود، تلاش‌های دیپلماتیک خود را هماهنگ کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به سفر مقامات ارشد این کشورها به تهران اشاره کرد. افزون بر این، پاکستان تجربه مذاکرات پیشین در اسلام آباد را نیز به خدمت گرفته است.

روسیه و چین با حملات مجدد مخالفت و رایزنی‌های خود با ایران و دولت‌های منطقه را تشدید کرده‌اند. گرچه نقش مسکو و پکن با میانجیگری مستقیم قطر متفاوت است، تلاش‌های آنها بازتاب‌دهنده نگرانی گسترده بین‌المللی از وقوع بحرانی تازه در حوزه اقتصاد و امنیت جهانی است.

این اندیشکده اضافه می‌کند که «با این حال،اختلافات عمده‌ای در رابطه با تحریم‌ها، محاصره دریایی(ادعایی) آمریکا، محدودیت‌های هسته‌ای و تضامین امنیتی همچنان به قوت خود باقیست.»

قدرت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه کشورهایی که در برابر اختلالات در عرضه انرژی و حملات تلافی‌جویانه آسیب‌پذیرند، برای جلوگیری از یک رویارویی دیگر، انگیزه زیادی دارند. تلاش‌های دیپلماتیک آنها برای هر دو طرف، جایگزین‌هایی در برابر تشدید نظامی درگیری ارائه می‌کند.

عمل‌گرایی و بازدارندگی ایران

از نگاه تهران، شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، مهر تاییدی بر راهبرد تحمیل پیامدهای اقتصادی جنگ به مردم آمریکا بوده است. با این حال، ایران دو راهبرد موازی یعنی، «انعطاف‌پذیری بیشتر در مذاکرات و تقویت بازدارندگی نظامی» را دنبال می‌کند.

تهران در تازه‌ترین پیشنهاد خود، مهلت بازگشایی تنگه هرمز را از هفت به ۲ روز کاهش داده است. این پیشنهاد در مقایسه با ابتکار پیشین تهران، زمان‌بندی کوتاه‌تری دارد.

به ادعای نگارنده، «تهران همچنین از طریق قطر، پیشنهاد هسته‌ای جدیدی را منتقل کرده است. این اقدامات مبتنی بر مذاکرات اسلام آباد، نشان می‌دهند که ایران برای دستیابی به راه‌حلی دیپلماتیک، رویکردی عمل‌گرایانه در پیش گرفته، بدون آنکه از مطالبات اصلی خود صرف نظر کند.»

روی دیگر راهبرد ایران، بازدارندگی است. تهران باور دارد که توازن قوای جدیدی برقرار کرده و هشدار می‌دهد که حمله مجدد آمریکا با پاسخ تلافی‌جویانه‌ای بسیار ویرانگرتر از دورهای قبلی روبه‌رو خواهد شد.

کیهان برزگر، ئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، در گفت‌وگو با «نیوعرب» گفته که «ایران باور دارد که حتی پیش از انتخابات آمریکا نیز، بازدارندگی و توازن قوای جدیدی ایجاد کرده است.»

به باور وی، «نتایج انتخابات(آمریکا)، عزم تهران را برای مقاومت در برابر فشارهای سیاسی و تهدیدهای نظامی بیش از پیش تقویت کرده است. در میان تشکیلات مختلف سیاسی و امنیتی ایران، حمایت گسترده‌ای از پاسخ قاطع به هرگونه حمله مجدد وجود دارد.»

برزگر خاطرنشان کرد که «تهران معتقد است که اکنون می‌داند چگونه موثرتر پاسخ دهد و خسارت به‌مراتب بیشتری وارد کند.

هرگونه تشدید نظامی بیشتر از سوی آمریکا، واکنشی بسیار شدیدتر از جانب ایران علیه آمریکا و متحدانش در منطقه به همراه خواهد داشت.»

به باور نگارنده، «از نگاه تهران، انعطاف‌پذیری دیپلماتیک و بازدارندگی مکمل یکدیگرند؛ مذاکرات راه خروج را ارائه می‌دهد و تهدید به واکنشی شدیدتر در سطح منطقه، با هدف بازداشتن طرف مقابل از حمله‌دوباره مطرح می‌شود. با این حال، اینکه واشنگتن نیز ارزیابی تهران از توازن قوا را می‌پذیرد یا خیر، همچنان مبهم است. اعتمادبه‌نفس بیش از حد هر یک از طرفین می‌تواند خود به اشتباه محاسباتی منجر شود.»

در پایان این گزارش آمده است: هیچکدام از این تحولات احتمال حمله دوباره آمریکا را منتفی نمی‌کند. تغییر لحن ترامپ ممکن است صرفا تاکتیکی باشد و دستیابی به توافقی دیپلماتیک همچنان دور از دسترس به نظر می‌رسد. با این حال، احتمال هرگونه تشدید بیشتر درگیری، اکنون در بحبوحه واکنش منفی رای‌دهندگان آمریکایی، مخالفت شدیدتر کنگره، بی‌ثباتی سیاسی در تل‌آویو، فشارهای بین‌المللی فزاینده و تهدیدهای ایران به گسترش رویارویی در منطقه، رخ خواهد داد.

اکنون توپ در زمین ترامپ است. احتمال تشدید درگیری همچنان وجود دارد، اما بهای آن به‌شدت افزایش یافته است.

تحلیلگر یمنی:

عربستان با جنگ علیه‌یمن برنامه آمریکا و اسرائیل را اجرا می‌کند

یک تحلیلگر یمنی با اشاره به سردرگمی ریاض در جنگ یمن و مخالفت عربستان با هرگونه تلاش میانجی‌گری گفت: ریاض با جنگ علیه یمن، برنامه‌های اسرائیل و آمریکا را اجرا می کند.

به گزارش روز یکشنبه ایرنا، «عبدالولی البخیتی» به شبکه العهد عراق گفت: عربستان سعودی بدون برنامه مشخصی عمل می کند و نمیداند از جنگ یمن چه می‌خواهد.

این تحلیلگر یمنی با تاکید بر اینکه ریاض با جنگ علیه یمن، برنامه‌های اسرائیل و آمریکا را در یمن اجرا می‌کند، گفت: عربستان سعودی فرصتی برای میانجیگری در زمینه توقف درگیری در یمن فراهم نکرده است.

وی ادامه داد: هواپیماهای حامل سربازان سودانی برای کمک به جنگ سعودی در یمن فرود آمده‌اند. عربستان سعودی در مسیر جلب حمایت و پشتیبانی منطقه‌ای از جنگ علیه یمن به هر دری زده و هر راهی را در پیش گرفته است.

البخیتی تاکید کرد: اسرائیل به خوبی از خطر نیروهای انصارالله آگاه است و بارها آن را هدف قرار داده است.

این رژیم اشغالگر در جنگ یمن به عربستان سعودی کمک‌های نظامی، دفاعی و آموزشی می‌دهد.

این تحلیلگر یمنی در ادامه با اشاره به پیشرویهای برق‌آسای نیروهای مسلح یمن بیان کرد: نیروهای مسلح یمن در حال پیشروی به سمت عدن، دژ و مقر عملیات نظامی عربستان سعودی، هستند.

همزمان با تشدید حملات هوایی عربستان به مناطق مسکونی در یمن، نیروهای مسلح یمن ضمن مقابله به مثل، در جبهه های یمن نیز در برابر عناصر وابسته به سعودی پیشروی های خیره کننده‌ای داشته‌اند.

هشدار اقتصاددانان درباره احتمال بروز بحران بودجه‌ای در آلمان



اقتصاددانان برجسته آلمانی با اشاره به افزایش هزینه‌های دولت، رشد بدهی‌های عمومی و فشار فزاینده بر منابع مالی درباره احتمال بروز بحران گسترده بودجه‌ای در این کشور از سال ۲۰۲۸ هشدار دادند.

به گزارش خبرگزاری مهر، روزنامه «دی ولت» در گزارشی نوشت: افزایش هزینه‌های دولتی، به‌ویژه در حوزه‌های زیرساختی و دفاعی می‌تواند در سال‌های آینده فشار قابل توجهی بر بودجه آلمان وارد کند و توان دولت برای تأمین هزینه‌های خود را با چالش مواجه سازد.

«ولت آم زونتاگ» نیز به نقل از کلمنس فوست، رئیس مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی ایفو هشدار داد که سیاست مالی کنونی دولت آلمان در بلندمدت قابل تداوم نیست.

رئیس مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی ایفو خواستار تعیین اولویت‌های هزینه‌ای، از جمله دفاع و سرمایه‌گذاری‌های عمومی و توقف یا کاهش سایر هزینه‌های دولتی شد.

بر اساس گزارش‌ها، بودجه دولت فدرال آلمان برای سال ۲۰۲۷ با هزینه‌هایی بی‌سابقه همراه خواهد بود به‌گونه‌ای که مجموع استقراض جدید دولت با احتساب منابع مالی خارج از بودجه اصلی به حدود ۲۱۰ میلیارد یورو می‌رسد.

همچنین افزایش مالیات‌ها از جمله مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای جبران کسری بودجه مطرح شده است.

روزنامه «بیلد» نیز در گزارشی در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۳ آبان ۱۴۰۵) به نقل از اقتصاددانان نسبت به تشدید بحران بودجه‌ای از سال ۲۰۲۸ هشدار داد.

بر اساس آمار بانک مرکزی آلمان، بدهی عمومی این کشور در پایان سال ۲۰۲۵ به حدود ۲/۸۴ تریلیون یورو رسیده است؛ رقمی که نسبت به سال قبل ۱۴۴ میلیارد یورو افزایش نشان می‌دهد.